

The Foundations of Restitution for Wrongs in Common Law and Iranian Law

Mohammad Sadegh Ramezani Mahoonaki¹, Azam Ansari^{2*}, Sayyed Mohammad Mahdi Qabuli Dorafshan³

- 1. MSc. Student, Department of Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran*
- 2. Assistant Professor, Department of Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran*
- 3. Associate Professor, Department of Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran*

(Received: May 9, 2020; Accepted: August 10, 2020)

Abstract

Nowadays, in the framework of private law, most legal systems prefer to provide remedies and compensation to an injured person in violation of law or breach of contractual undertakings. The amount of the award limits to the loss of the injured. However, in some cases the injured person rather than seeks the incurred remedies or compensation, it seeks the restitution of the benefit that wrongdoer has gained by breach of victim's rights. Although focusing on the gain-based liability instead of loss-based liability has been considered in Common Law for a long time but it is controversial as to the foundations of restitution for wrongs. With the descriptive-analytical method, the article explains the concept and definition of restitution for wrongs. While it illustrates some foundations of restitution for wrongs, it examines the foundation of such an institution in the Iranian Legal System. The article shows corrective justice can be considered a foundation for restitution for wrongs in Common Law. Also, the rule "No man shall profit from his wrong", the Lucrative Fault and social interests in tort law may provide the solution to accept the institution in Iranian Law.

Keywords

Restitution, Gain-based, Loss-based, Corrective Justice, Lucrative Fault.

* **Corresponding Author, Email:** aansari@um.ac.ir

مبانی استرداد مبتنی بر خطا در کامن لا و حقوق ایران

محمدصادق رضوانی ماهونکی، اعظم انصاری^{۲*}، سید محمد مهدی قبولی درافشان^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰)

چکیده

امروزه در حوزه حقوق خصوصی رویکرد غالب نظام‌های حقوقی در مواجهه با نقض قانون یا نقض تعهدات قراردادی اعطای تضمین‌های مدنی و جبران خسارت زیان‌دیده به میزان ضرر وارده بر اوست. با این حال، در مواردی زیان‌دیده خواستار جبران خسارات وارد بر خود نیست؛ بلکه خواستار استرداد منافی است که دیگری با نقض حق وی به دست آورده است. موضوع نفع‌محوری به جای زیان‌محوری مدت‌هاست در نظام حقوق کامن لا مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، همچنان در مبانی اتخاذ چنین رویکردی اختلاف نظر وجود دارد. در جستار حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی مفهوم و تعریف استرداد مبتنی بر خطا، به بیان مبانی یادشده و ارزیابی آن‌ها و نیز جست‌وجوی مبانی موجود برای استرداد مبتنی بر خطا در نظام حقوقی ایران پرداخته شده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد توجه به عدالت اصلاحی ارسطو می‌تواند مبنایی در پذیرش این مفهوم در نظام کامن لا باشد. همچنین توجه به قاعده عدم انتفاع از خطا، تقصیر انتفاعی، و مصالح اجتماعی در حوزه مسئولیت مدنی زمینه‌ساز پذیرش استرداد مبتنی بر خطا در نظام حقوقی ایران است.

کلیدواژگان

استرداد، تقصیر انتفاعی، زیان محوری، عدالت اصلاحی، نفع محوری.

مقدمه

اصولاً در حقوق خصوصی اصل حاکم بر مسئولیت تدارک ضرر زیان دیده است و وقتی ضرری وارد می‌شود هر نظام حقوقی، به تناسب قواعد داخلی خود، تضمین‌هایی مدنی برای استیفای حقوق زیان‌دیدگان در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. در کامن‌لا نیز ترمیم و جبران خسارت اشخاص، اصل و غرامت پولی، نخستین استیفای حقوق تضییع شده اشخاص است. با وجود این، گاه اشخاصی که حقوق آن‌ها تضییع شده خواستار منافی می‌شوند که خاطی با ارتکاب خطا علیه آنان به دست آورده است. این دعاوی، که اصطلاحاً به آن‌ها دعاوی استرداد و نفع‌محور گفته می‌شود، در دادگاه‌های کامن‌لا از دیرباز به صورت پراکنده مورد توجه بوده است. اما، بعد از سال ۲۰۰۱ و با پرونده معروف بلیک^۱ استرداد منافع نامشروع بر اثر خطا، علاوه بر اینکه در حقوق قراردادهای رسماً پذیرفته شد، به طور گسترده به ادبیات حقوقی کامن‌لا و احکام دادگاه‌ها نیز وارد شد.

در کامن‌لا مطالبه منافع به دلیل استیفای نامشروع از مال غیر یا دارا شدن ناعادلانه امکان‌پذیر است. در این زمینه می‌توان، با لحاظ ضرر، خواستار منافع شد. با این حال، در استرداد مبتنی بر خطا، شخصی با ارتکاب خطای مدنی علیه دیگری منتفع شده، اما، انتفاع او باعث اضرار به قربانی خطا و کاهش دارایی‌های او نشده است. در این فرض، با منتفع و با لحاظ مبانی مرسوم، به خصوص عدالت اصلاحی در خوانش زیان‌محور خود نمی‌توان برخورد کرد و منافع حاصل از خطا را به قربانی خطا مسترد داشت. برخی در مقام رد چنین مسئولیتی مدعی‌اند «در موردی که شخص ضرری متحمل نشده است مستحق دریافت غرامتی نیست.»^۲ با این حال، نباید چنین حکمی را به طور مطلق پذیرفت. همان‌گونه که گزاره «هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند» موجبات مسئولیت اشخاص را فراهم می‌سازد، به گزاره «هیچ شخصی نباید از رهگذر خطای خویش منتفع شود» نیز می‌توان در مباحث مسئولیت توجه کرد. در حقوق ایران نیز آنجا که انتفاع ناروای اشخاص از مال یا حقوق مالی دیگری صورت می‌پذیرد تمسک به مبانی مختلف، همچون قاعده «ممنوعیت اکل مال بالباطل» و قاعده «علی‌الید» و مباحث تفویت منفعت در قالب اتلاف و تسبیب، موجب استرداد منافع مال به مالک می‌شود. اما، در مواردی که انتفاع ناروای اشخاص به

1. Attorney General v Blake [2001]

2. Stoke-on-Trent City Council v. W & J Wass Ltd [1989]

دلیل استیفای نامشروع از مال دیگران یا ایفای ناروا نیست واکنش حقوق مدنی با ابهام مواجه است. مثلاً اگر شخصی با نقض حریم خصوصی دیگری و افشای اسرار شخصی و غیر مالی آن‌ها از لحاظ مالی منتفع شود، گرچه از عمل ناروای خویش و با تضييع حقوق دیگران سود برده، راهکار مشخصی برای استرداد چنین منافعی وجود ندارد. محور بحث این مقاله مسئولیت استردادی در معنای اخیر است.

پرسش اصلی در این نوشتار آن است که در چه مواردی می‌توان خلاف گفتمان زبان‌محور در حوزه مسئولیت گام برداشت و نفع‌محوری را جایگزین آن کرد؟ در این نوشتار، در پاسخ به پرسش مطرح‌شده، مبانی تحقق نهاد استرداد مبتنی بر خطا در کامن‌لا بررسی می‌شود. به‌علاوه از آنجا که فروض و احکام مورد بررسی در این نهاد کامن‌لایی در حقوق ایران نیز قابل تصور است و راهکار مشخصی از سوی قانون‌گذار داخلی و دکترین حقوقی ارائه نشده است، با بهره‌گیری از منطق حاکم بر مبانی توجیهی این نهاد، سعی در امکان‌سنجی تحقق آن در حقوق ایران داریم. با لحاظ موارد فوق، در این نوشتار ابتدا به مفهوم‌شناسی عناصر استرداد و خطا در کامن‌لا و حقوق ایران می‌پردازیم و سپس مبانی توجیه‌کننده این نهاد در کامن‌لا و حقوق ایران را بررسی می‌کنیم. در پایان نتیجه‌ای را که از مطالب مطرح‌شده به دست می‌آید بیان می‌کنیم.

مفهوم‌شناسی استرداد مبتنی بر خطا

آنچه در وهله اول می‌تواند گرد ابهام از ماهیت این نهاد بزدايد تحليل دو مفهوم استرداد و خطا و جایگاه آن‌ها در کامن‌لا و حقوق ایران است. همچنین، با توجه به استتار واژه نفع و نقش آن در این نهاد به مفهوم‌شناسی این واژه نیز پرداخته می‌شود.

مفهوم استرداد

در زبان انگلیسی، واژه استرداد^۱ در لغت به معنای «بازپس دادن مال به مالک یا متصرف قانونی» آن است (Longman 2008: 866). از تعریف لغوی این واژه برمی‌آید که شالوده آن بر اعاده چیزی به مالک حقیقی آن است. با تمسک به ظاهر لفظ، باید احکامی را استردادی دانست که در آن اعاده‌ای

در کار باشد. بنابراین، در بحث حاضر که حکم به تسلیم منافی داده می‌شود که ابتدا به مدعی تعلق نداشته مورد به طور تخصصی از شمول احکام استرداد خارج است و استعمال لفظ استرداد برای چنین احکامی درست به نظر نمی‌رسد. با این حال برخی (Birks 1996: 13; Giglio 2007: 28) به این اشکال لفظی پاسخ می‌دهند که صدق عنوان استرداد در مواردی که اعاده و بازگرداندنی در کار نباشد، با توجه به ریشه این کلمه، اشکال ندارد. کلمه Restitution دارای منشأ لاتین^۱ و به معنی «انتقال منافع از خواننده به خواهان» است که در این معنی هم بر «برگرداندن» هم بر «تسلیم کردن» صادق است. به علاوه استعمال مکرر استرداد در معنای تسلیم ابتدایی منافع به مدعی نیز دلیلی بر تغییر معنای لغوی این واژه در قامت یک اصطلاح حقوقی است.

در زبان فارسی استرداد از ریشه «رد» به معنای «داده را واپس خواستن» و «پس گرفتن» است (دهخدا ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۳۷). بنابراین، برای صدق دلالت این واژه باید قبلاً چیزی داده شده باشد که اکنون طلب پس گرفتن آن مطرح باشد. با این حال، برخی (حسینی و عیسائی تفرشی ۱۳۹۷: ۳۷) از چنین ظاهری چشم پوشیده‌اند و استرداد را در حقوق ایران به معنای «تخلیه ید شخص از دارایی‌هایی که بدون سبب مشروع و قانونی تحصیل کرده» دانسته‌اند که در این معنا شباهت زیادی با مفهوم Restitution در ریشه رومی و مورد استعمال خود در کامن‌لا دارد. ما نیز استرداد را در حقوق ایران هم‌سو با کامن‌لا و در معنایی عام که شامل تسلیم ابتدایی منافع نیز شود به کار می‌گیریم.

مفهوم خطا

در برخی لغت‌نامه‌های حقوقی، به زبان انگلیسی، خطا^۲ به معنای عمل و رفتاری است که خلاف حق و عدالت باشد (Black, 2009: 1751). این اصطلاح در کامن‌لا دال بر نقض تکلیف^۳ در برابر دیگری است (Descheemaeker 2009: 17). این تکالیف الزام‌آور بنا بر عرف جامعه یا به موجب قانون یا قرارداد بر عهده اشخاص قرار می‌گیرد. اطلاق تعریف خطا به نقض تکلیف دلالت بر این دارد که در تحقق خطا تقصیر یا عمد اشخاص و حتی ورود ضرر مدخلیتی ندارد (Birks 1997: 33) و آنچه اهمیت دارد نتیجه عمل اشخاص در زیر پا نهادن تکالیف قانونی و قراردادی است. خطا در

-
1. Restitutio
 2. Wrong
 3. Breach of Duty

چنین معنایی شامل خطاهای مدنی غیر قراردادی^۱ و نقض قرارداد است. مفهوم خطا در کامن‌لا به این دلیل اهمیت دارد که مبنای طرح مسئولیت اشخاص است (بابایی و کشاورز ۱۳۹۶: ۶۳).

خطا در زبان فارسی به معنای نادرست و ناروا و اشتباه است (عمید ۱۳۷۵: ۶۰۲) و در اصطلاح حقوقی «مقابل عمد است و وصف عملی است که فاعل آن دارای قوه تمیز بوده و به علت غفلت یا نسیان یا جهل یا اشتباه یا بی‌مبالاتی و عدم احتیاط عملی که مخالف موازین اخلاق یا قانون است مرتکب شده است» (جعفری لنگرودی ۱۳۸۱: ۲۶۲). خطا در این معنا مفهومی همچون تقصیر در مسئولیت مدنی دارد و ناظر به «کیفیت عمل فاعل» و قضاوت اخلاقی درباره آن است (کاتوزیان ۱۳۸۶: ۸۸) نه نتیجه حاصل از عمل. این بدان معناست که خطا در این استعمال با آنچه در تعریف خطا در کامن‌لا بیان شد متفاوت است.^۲ به طور کلی در حقوق کشورهای متأثر از نظام رومی-ژرمنی خطا به معنایی که در کامن‌لا شایع است چندان شناخته شده نیست (Giglio 2007: 24). در حقوق ایران نیز، به همین منوال، نقض تکلیف واجد عنوان جامعی نیست. در فقه امامیه، خطا «مبدأ آغازین مسئولیت مدنی محسوب نمی‌شود» (بابایی و کشاورز ۱۳۹۶: ۵۴) و اسباب گوناگون موجب ضمان شرعی هستند. به دلیل همین تکرر استعمال واژه ضمان در مباحث فقهی، نمی‌توان به تعریفی جامع و مانع در خصوص مفهوم ضمان دست یافت (عمید زنجانی ۱۳۸۲: ۴۴) و فقط می‌توان گفت اثر ضمان اشتغال ذمه مضمون است. نبود مفهوم بنیادین خطا در معنای نقض تکلیف در حقوق ایران مانعی در راه مطالعه تطبیقی نیست و وجود مصادیق خطا در کامن‌لا همانند خطاهای غیر قراردادی و نقض قرارداد در حقوق ایران برای مقصود پژوهش ما کافی است.

مفهوم انتفاع

انتفاع رکن دیگری است که استرداد مبتنی بر خطا و مسئولیت استرداد متضمن آن است (عباسی و همکاران ۱۳۹۶: ۱۱۸). زیرا مقصود از استرداد استرداد منافع است و مسئولیت استرداد نیز مسئولیتی نفع‌محور است. در کامن‌لا منتفع شدن در قالب واژگان مختلف، از قبیل نفع^۳ و منفعت^۴ و

1. Torts

۲. حتی در این معنا نیز خطا در قانون مدنی اصولاً شرط مسئولیت مدنی اعم از قراردادی و قهری تلقی نمی‌شود (جعفری لنگرودی ۱۳۸۱: ۲۶۲).

3. Gain

4. Benefit

دارا شدن، به کار رفته است. اما، با وجود این کثرت الفاظ می‌توان گفت انتفاع به معنای دارایی و ثروت است و ماهیتی اقتصادی دارد. در هر موضعی که شخص چیزی را دریافت کند که ارزش مبادله‌ای داشته باشد و بتوان گفت وضعیت مالی او بهتر از گذشته شده است می‌توان گفت او به انتفاع رسیده است (Birks 1985: 13).

در حقوق ایران نیز می‌توان تعریف انتفاع را ذیل مبحث دارا شدن در نهاد دارا شدن بلاسبب جست. می‌توان گفت هرگاه شخصی نفع قابل تقویم به پول ببرد دارا شده است، خواه این نفع پول و ارزش مالی باشد خواه نفع معنوی. بنابراین «لزومی ندارد که مورد استیفا یکی از عناصر مادی دارایی باشد و همین اندازه کافی است که بتوان آن را به پول ارزیابی کرد، هر چند جنبه شخصی و معنوی داشته باشد.» (کاتوزیان ۱۳۸۲: ۲۱۳ - ۲۱۴). با توجه به این تعاریف، به نظر می‌رسد افتراق چندانی در خصوص مفهوم انتفاع در کامن‌لا و حقوق ایران وجود ندارد و در هر دو نظام حقوقی می‌توان قدر مشترک این مفهوم را تحصیل ارزشی دید که می‌توان آن را با پول ارزیابی کرد.

تبیین نهاد استرداد مبتنی بر خطا

در خصوص مفهوم استرداد مبتنی بر خطا باید گفت مسئولیتی است «نفع‌محور» که بر اساس آن، فارغ از ورود هر گونه ضرر مادی، منافع نامشروع حاصل از خطا از فرد خطاکار اخذ و به قربانی خطا مسترد می‌شود (Giglio 2009: 49). به موجب این نهاد، قربانی خطا، فارغ از آنکه ضرری به او وارد شده یا نشده، خواستار منافع نامشروعی است که خاطی از رهگذر خطای خود کسب کرده است. هدف اصلی این تضمین مدنی «محروم کردن» خطاکار از «منافع» عمل ناروای خویش است و به همین دلیل استرداد مسئولیتی نفع‌محور است (Birks 2005: 1). موضوع مهم در اینجا تبیین مفهوم مسئولیت استرداد و نفع‌محور در مقابل مسئولیت زیان‌محور است. برخی (Edelman 2002: 66; Virgo 2015: 428) بر آن‌اند که نفع‌محوری یا زیان‌محوری دعاوی منوط به توصیفی است که مدعی از دعوای خود دارد و در هر حالتی که بازپس‌گیری یا تسلیم منفعتی از سوی خواهان مطرح شود دعوا ماهیتی استرداد دارد. تصور کنید شخصی به طور ناروا دو چرخه دیگری را تصرف می‌کند. اگر مدعی خواسته خود را بر جبران خسارت قرار دهد، دعوا ماهیتی

ترمیمی دارد. اما اگر خواستار منافی شود که خواننده از عمل خویش کسب کرده، ماهیت دعوا استردادی است.^۱ گفته‌ی اخیر قابل‌خنده است. در مثال اخیر اگر مدعی، به جای جبران خسارت، خواستار منافع مکتسب خواننده شود، ماهیت درخواست او چیزی بیش از این نیست که او منافی را می‌خواهد که مستقیم از اموال و دارایی او تحصیل شده و به صورت نامشروع در ید خواننده قرار دارد و نمی‌توان ماهیت دعوا را استردادی دانست (Giglio 2007: 206). به عبارت دیگر در این موارد انتفاع خاطی آینه‌ی تمام‌نمایی از روی دیگر واقعه، یعنی اضرار به مدعی در قالب «محروم کردن» او از مال خویش و «تفویت منافع» مال او، است. هنگامی می‌توانیم از مسئولیت نفع‌محور و استردادی سخن بگوییم که انتفاع خاطی ماحصل خطایی باشد که ارتباطی با ضرر خواهان نداشته است. فرض کنید تاجری با تکیه بر توصیه‌ی مشاورش سهام شرکتی را می‌خرد. بعد مشخص می‌شود شرکت وضعیت مالی نابسامانی داشته و هدف مشاور از ترغیب تاجر به خرید سهام این بوده که با تزریق سرمایه و وضعیت مالی شرکت به‌ظاهر بهبود پیدا کند تا او سهام خود در شرکت را با مبلغ بالاتری بفروشد. تاجر با اطلاع از سوءاستفاده‌ی مشاور از اعتماد او سهام خود را به همان مبلغی که خریده می‌فروشد. در این مثال، نفعی که مشاور کسب کرده در اثر استیفا از حقوق مالکیت تاجر نیست، بلکه به دلیل نقض تعهدات امانی است و تاجر می‌تواند با تمسک به خطای نقض تعهدات امانی منافع نامشروع را از مشاور مسترد کند.

بنابراین، هرچند مطالبه‌ی بازپس‌گیری یا تسلیم منافع تحصیل‌شده از سوی خواهان دعوا در دعاوی همچون دارا شدن ناعادلانه و استیفا‌ی نامشروع از مال غیر موجب تحقق حقیقت لغوی استرداد می‌شود، این موارد را باید شبه‌استرداد^۲ دانست (Giglio 2007: 42). هنگامی می‌توانیم بگوییم

۱. شاید گمان شود تفاوتی میان این دو فرض وجود ندارد و نتیجه‌ی جبران خسارت و استرداد منافع یکسان است. اما این برداشت در صورتی می‌تواند صحیح باشد که معیار نوعی در محاسبه‌ی ضرر و انتفاع حاکم باشد؛ در صورتی که در کامن‌لا معیار شخصی نیز استفاده می‌شود. مثلاً تصور کنید شخصی زمین کشاورزی دیگری را به صورت نامشروع تصرف کند. انتفاع معمول از این زمین صد دلار بوده، اما متصرف با خریداری بذری نادر و اصلاح‌شده نفعی معادل صد و پنجاه دلار از زمین کشاورزی کسب کرده است. در این صورت، با اعمال معیار شخصی مالک زمین مستحق صد و پنجاه دلار منافع تحصیل‌شده از سوی خاطی است (برای مطالعه بیشتر ← Friedmann 2001).

2. Pseudo-Restitutory

مسئولیت استرداد و نفع‌محور است که اولاً نفع تحصیل‌شده ارتباطی با ضرر وارده نداشته باشد (یا اساساً ضرری وارد نشده باشد) و ثانیاً در اثر استرداد به دنبال محروم کردن خاطی از منافع باشیم که سبب حصول آن‌ها عمل خاطی علیه قربانی عمل نامشروع خود باشد، نه طلب منافی که به دلیل تسلط یا انتفاع نامشروع خاطی از اموال و دارایی‌های دیگران به دست آمده است.^۱

مبانی استرداد مبتنی بر خطا

پس از بیان ماهیت استرداد مبتنی بر خطا، در این قسمت، به تحلیل مبانی‌ای می‌پردازیم که درصدد توجیه مسئولیت خوانده به استرداد منافی است که با خطا و نقض حقوق دیگری به دست آورده است.

مبانی استرداد مبتنی بر خطا در کامن‌لا

به‌رغم اینکه در دادگاه‌های کامن‌لا حکم به استرداد در خصوص پاره‌ای از خطاها سابقه دیرینه‌ای دارد، گسست از مبنای زیان‌محور مسئولیت و طرح نهادی غیرترمیمی، همچون استرداد مبتنی بر خطا، موجب بحث‌های فراوان شده و مبانی مختلف برای آن ارائه شده است. در ادامه، این مبانی را بررسی می‌کنیم.

عدم انتفاع از خطا

اندرو باروز^۲ مبنای استرداد مبتنی بر خطا را این اصل کلی می‌داند که «هیچ‌کس نباید از خطای خود منتفع شود.»^۳ (Burrows 1993: 376)؛ گزاره‌ای که عقول انسانی به‌طور کلی در آن تردید ندارد و قلب‌تپنده بسیاری از احکام حقوقی است.^۴ اگر چنین گزاره‌ای بر قوانین و دستگاه قضایی کشوری حاکم نباشد، درحالی‌که به متعدیان و قانون‌شکنان عدم نقض قوانین را متذکر شده‌ایم، با

۱. با توجه به توضیحات ارائه‌شده، مفاهیم استرداد مبتنی بر خطا و مسئولیت استرداد و مسئولیت نفع‌محور دال بر معنایی واحد در ادامه این پژوهش‌اند.

2. Andrew Burrows

3. Commodum Ex Injuria Sua Nemo Habere Debe (No man shall profit from his wrong)

۴. این مبنا در برخی آرای قضایی نیز تصریح شده است (برای مطالعه بیشتر ←:

Attorney General v Guardian Newspapers Ltd [1990]).

گشودن مفر انتفاع و تحریک اندیشه‌های سوداگرایانه، بازوی قانون را نحیف کرده‌ایم. استرداد مبتنی بر خطا نیز در بطن خود چنین مبنای مستحکمی دارد و با انتفاع نامشروع خاطیان به مبارزه برمی‌خیزد.

دورکین^۱ این‌گونه گزاره‌ها را رهنمون‌هایی مبهم و فراقانونی می‌داند که قادر به تأسیس اصل و قاعده حقوقی نیستند (Dworkin 1978: 39) و نمی‌توانند مستقلاً مستند رأی دادگاه قرار گیرند. به علاوه، این مبنا می‌تواند عدم استحقاق خاطی در زمینه منافع نامشروع را اثبات کند؛ اما توان توجیه ذی‌حق بودن قربانی خطا در ارتباط با این منافع را ندارد (Edelman 2002: 81). چنین گزاره‌ای صرفاً می‌تواند روح کلی این نهاد در نظر گرفته شود؛ اما مبنای دقیقی برای پی‌ریزی قاعده‌مند آن فراهم نمی‌کند (Giglio 2007: 108).

بازدارندگی

به باور جیمز ادلمن^۲ محروم کردن خطاکار از منافع حاصل از خطایش به وی و سایرین این موضوع را متذکر می‌شود که نمی‌توان خطا کرد و سودی به دست آورد. در اکثر خطاها و بروز خسارت، حکم به جبران موجب بازدارندگی می‌شود (Edelman 2002: 84). همچنین در مواردی که خاطی با حسابگری قبلی خطایی علیه دیگری انجام می‌دهد و منتفع می‌شود، بدون اینکه زیان مالی به قربانی وارد آید، باید این منافع را مسترد کند. در تأیید این مبنا در دعوایی^۳ دادگاه اعلام کرد: «در مواردی که شخصی با هدف انتفاع از خطا مرتکب آن می‌شود، جبران خسارت کافی نیست و باید منافع نامشروع به قربانی خطا مسترد گردد». گراهام ویرگو^۴ نیز در چهار فرض نقض تعهدات امانی، ارتکاب عمل غیرقانونی - مانند جرایم مدنی و کیفری - سرزنش‌پذیری عمل خاطی، و ناکافی بودن جبران خسارت اعطای غرامت استرداد بر پایه بازدارندگی را موجه می‌داند (Virgo 2015: 424-425). برخی دیگر (Friedmann 1980: 551) نیز با رعایت شرایطی استرداد را بر مبنای بازدارندگی و تنبیه موجه می‌دانند.

1. Ronald Dworkin
2. James Edelman
3. Broome v. Cassell & Co[1970]
4. Graham Virgo

در این خوانش، استرداد مبتنی بر خطا ماهیتی همانند خسارت تنبیهی دارد و یکی از اقسام خسارت تنبیهی فرض می‌شود.^۱ خسارت تنبیهی «نوعی خسارت غیرترمیمی است که به خاطر تجری و بی‌احتیاطی در رفتار زیان‌بار خواننده پدید می‌آید و به منظور تنبیه و بازدارندگی وی و دیگر افراد جامعه از تکرار اعمال مشابه، به حکم دادگاه، به نفع خواهان پرداخت می‌شود» (داراب‌پور و سلطانی احمدآباد ۱۳۹۴: ۶۱). در هر موردی که حکم به خسارت تنبیهی موجه باشد، تحقق استرداد مبتنی بر خطا به طریق اولی می‌تواند مشروع باشد. زیرا در خسارت تنبیهی تعیین میزان غرامت امری صلاح‌دید است و با تمسک بدان می‌توان خطای را نقره‌داغ کرد. اما، در استرداد مبتنی بر خطا مسئولیت شخص فقط به میزان انتفاع وی از خطای اوست و وضعیت او از حالت قبل از ارتکاب خطا بدتر نمی‌شود (Edelman 2002: 84). گیگلیو^۲ به این مقایسه ایراد گرفته و آن را مغالطه می‌داند. یکی از شرایط حکم به خسارت تنبیهی تجری و تعمد خطای است؛ در صورتی که در استرداد مبتنی بر خطا، هم از منظر تاریخی هم از منظر تحلیلی، تجری و سوءنیت خواننده شرط ضروری اقامه دعوا نیست^۳ و این دو نهاد فقط در ماهیت غیرترمیمی اشتراک دارند (Giglio 2007: 165). به علاوه احکام یکسانی بر استرداد مبتنی بر خطا در کامن‌لا و انصاف و قوانین موضوعه حاکم نیست و نمی‌توان بر پایه چنین مبنایی همه موارد را بر اساس نظریه بازدارندگی توجیه کرد (Stafford 2016: 4). همچنین، گرچه بازدارندگی از آثار و مؤیدات حکم به استرداد است، مبنای انحصاری این نهاد نیست (Al-Tawil 2013: 112).

نظریه شبه مال

این نظریه را نخستین بار فریدمن مطرح کرد. از منظر فریدمن خصیصه مال استفاده انحصاری مالک و محرومیت دیگران در استفاده از آن است (Friedmann 1980: 507). در این دیدگاه، مال عمدتاً به معنای اموال عینی مد نظر است. به طور کلی، شخصی که با نقض حقوق مالکیت دیگری مال او را استیفا می‌کند مسئول استرداد منافع آن به مالک است. فریدمن با گسترش مفهوم مال به

1. Rookes v Barnard [1964]

2. Francesco Giglio

۳. نقض تعهدات امانی و نقض رازداری از جمله این مواردند.

مواردی همچون مالکیت معنوی، نفع فروشنده در حفظ مشتری، و حتی حقوق قراردادی آن‌ها را شبه‌مال^۱ می‌داند و درصدد توجیه استرداد چنین منافعی در اثر تجاوز به حقوق مدعی است (Friedmann 1980: 512). فریدمن تفاوت استیفا از اموال مادی با استیفا از شبه‌مال را این می‌داند که در قسم نخست صرف استیفا موجب مسئولیت خواننده به پرداخت مابه‌ازای منافع است. اما در قسم دوم، علاوه بر استیفا، ارتکاب خطا^۲ نیز برای مسئولیت متفیع نیاز است (Friedmann 1980: 513). مثلاً اگر فروشنده «الف» در رقابت تجاری مشروع و آزاد با فروشنده «ب» خریدار خود را از دست بدهد، نمی‌توان ادعایی از فروشنده «الف» در زمینه از دست دادن منافع پذیرفت. اما، اگر فروشنده «ب» با نیرنگ مشتری را جلب کند، فروشنده «الف» را می‌توان به دلیل رقابت تجاری نامشروع و ارتکاب خطا علیه او مستحق منافع ناشی از حفظ مشتری خود دانست. ویرگو دیدگاه فریدمن را نمی‌پذیرد و بر آن است که او هیچ ضابطه مشخصی برای تعریف شبه‌مال ارائه نمی‌دهد و فقط مواردی را که از منظر او از تعریف مال خارج است به صورت فرضی شبه‌مال می‌داند. از منظر ویرگو، امکان تفسیر موسع از چنین مفهومی دلیلی بر رد دیدگاه اوست (Virgo 2015: 423). به‌علاوه «از دست دادن» مشتری باعث ورود ضرر به فروشنده می‌شود و موضوع از دامنه مسئولیت نفع‌محور خارج است.

وینریب^۳ نیز با مبنای حقوق اموال سعی در توجیه نهاد استرداد مبتنی بر خطا دارد. او نیز خصیصه مال را محرومیت دیگران از تصرف می‌داند. اما، به آن بسنده نمی‌کند. خصیصه دیگر این است که باید از منظر اخلاق و ارزش‌های حاکم بر جامعه نیز بتوان یک شیء را مال تلقی کرد. شبه‌مال از منظر وی ماهیتی است که حداقل فاقد یکی از این دو خصیصه است. وینریب نقض تعهدات امانی را از مواردی می‌داند که با تمسک به نظریه شبه‌مال می‌توان منافعی را که امین به صورت نامشروع تحصیل کرده مسترد داشت. توضیح اینکه امین در برابر ذی‌نفع امانت متعهد به صداقت و وفاداری است و ذی‌نفع نیز استحقاق برخورداری از صداقت و وفاداری امین را داراست. بنابراین، در موردی که امین با انتفاع نامشروع تعهد خود را زیر پا می‌گذارد، گویی، منتفع

1. Quasi-Property

۲. مقصود فریدمن از خطا در اینجا ارتکاب تقصیر به نظر می‌رسد.

3. Earnest Weinrib

شدنش تجسم عینی نقض حقوقی بوده که به ذی نفع تعلق داشته است. در نتیجه استحقاق ذی نفع بر چنین منافی موجه است (Weinrib 2000: 33).

مبانی متخذ از عدالت اصلاحی ارسطو

عدالت اصلاحی^۱ دیدگاهی فلسفی است که نخستین بار ارسطو مطرح کرد. از منظر ارسطو عدالت اصلاحی «در ارتباط معاملاتی اشخاص، اعم از ارادی و غیرارادی، به وجود می‌آید» و هدف آن اعمال برابری کمی و ایجاد حد وسط در ارتباط بین خیر و شر است (ارسطو ۱۳۷۷: ۱۷۵-۱۷۶). در طول تاریخ خوانش‌های متفاوتی از نظریه عدالت اصلاحی ارسطو ارائه شده است. اما، امروزه برداشت توماس آکویناس^۲ از عدالت اصلاحی بر سایر دیدگاه‌ها غالب است. آکویناس کارکرد عدالت اصلاحی را صرفاً در مواردی می‌داند که شخصی در نتیجه عمل دیگری کمتر از سهم عادلانه خود به دست آورد (بادینی ۱۳۹۴: ۹۶). در این رویکرد، ورود ضرر محور اصلی عدالت اصلاحی است. پرواضح است که استرداد مبتنی بر خطا با زیان‌محوری نظریه عدالت اصلاحی آکویناس همخوانی ندارد. با این حال، برخی در ارائه خوانشی متفاوت از آکویناس و توجیه استرداد مبتنی بر خطا بر پایه آن تلاش کرده‌اند.

بارکر^۳ تفسیری متفاوت از عدالت اصلاحی ارائه می‌دهد. از دیدگاه او آنچه موجب ایجاد تعهد و برقراری رابطه حقوقی میان خواهان و خوانده می‌شود آن است که خوانده به طور نامشروع حقوق قانونی خواهان را مورد تعدی و استیفا قرار داده باشد (Barker 1995: 473). علاوه بر تعدی و به تبع آن انتفاع از حقوق مالکیت دیگران، در مواردی همچون حریم شخصی، که اطلاق مال بدان دشوار است، قائل به تکلیف خوانده به پرداخت غرامت استرداد است (Barker 1995: 473). بنابراین، گویی، علاوه بر استیفاء نامشروع از مال اشخاص، استیفاء نامشروع از سایر حقوق اشخاص نیز می‌تواند موجبات مسئولیت استرداد را فراهم سازد.

گیگلیو نیز زیان‌محوری عدالت اصلاحی را نه حاصل خوانش اصیل نظریه ارسطو، بلکه ناشی از عقاید آکویناس می‌داند. این حقوق‌دان بر آن است که از دیدگاه ارسطو نفع ناروا هیچ‌گاه اهمیتی

1. Corrective Justice
2. Thomas Aquinas
3. Kit Barker

کمتر از ضرر ندارد و نفع و رنج نیز صرفاً تشبیهی برای بیان بی‌عدالتی‌اند (Giglio 2007: 163). ارسطو بر آن است که «وقتی می‌خواهند ظلم و ستمی را مورد ارزیابی و تخمین قرار دهند از دو واژه نفع و ضرر استفاده می‌کنند؛ هرچند در برخی موارد این دو واژه اصطلاح مناسبی نیستند.» (ارسطو ۱۳۷۷: ۱۷۶). مطابق نظر گیگلیو، اگر رنج و ضرر را در نظریه عدالت اصلاحی به زیان وارد بر دارایی اشخاص تفسیر نکنیم، استرداد مبتنی بر خطا می‌تواند با مبنای عدالت اصلاحی توجیه شود. پس از ارتکاب خطا، از یک سو باید از عامل بی‌عدالتی و ظلم صحبت کنیم و از سوی دیگر قربانی خطا را در نظر بگیریم. بدین ترتیب بین آن‌ها پیوندی حقوقی شکل می‌گیرد و می‌توانیم منافع حاصل از خطا را متعلق به قربانی خطا بدانیم. زیرا سایر اشخاص جامعه هیچ ارتباطی به پیوند این دو ندارند که آن‌ها را واجد چنین منفعی بدانیم و خود خاطی نیز بی‌شک مستحق چنین منفعی نیست (Giglio 2007: 225).

مبانی استرداد مبتنی بر خطا در حقوق ایران

استرداد مبتنی بر خطا نهادی بیگانه در حقوق ایران محسوب می‌شود. با این حال، در ادامه، با بررسی مبانی مختلف و بهره‌گیری از مباحث فقهی، سعی در امکان‌سنجی طرح‌ریزی آن در حقوق داخلی داریم.

عدم انتفاع از خطا

«هیچ‌کس نباید از خطای خویش منتفع گردد». این گزاره، هرچند به صورت صریح در مجموعه قوانین داخلی و آیات قرآن کریم و روایات وجود ندارد،^۱ روح حاکم بر این قاعده را می‌توان در نهادهایی همچون غصب و اداره فصولی مال غیر و قواعدی همچون غرور و عدم استحقاق قاتل در قتل عمد بر میراث مقتول و اقدام و ... مشاهده کرد. اگر روح این قاعده را در نظام حقوقی جاری نکنیم، حاکمیت قانون و قراردادهای تضعیف و انگیزه‌های نهان سوداگران تحریک می‌شود.

۱. حدیث نبوی «لیس لعرق ظالم حق» یکی از روایاتی است که می‌توان دلالت آن را هم‌سو با مفهوم عدم انتفاع از خطا در نظر گرفت. فقها از این حدیث به عنوان قاعده «عرق ظالم» یاد می‌کنند و دلالت آن را عمدتاً در خصوص قلع غرس و بناء به کار می‌گیرند (برای مطالعه بیشتر در خصوص این قاعده فقهی ← ابروانی نجفی ۱۳۸۴: ج ۲، ۳۷).

با وجود این، همان‌گونه که در کامن‌لا گفته شد، این‌گونه مفاهیم کلی هستند و صرفاً می‌توانند رهنمون قانون‌گذاری و تفسیر قانون باشند. مادامی که روح حاکم بر این گزاره کلی در تار و پود قواعد خردتری تعیین نیابد، نمی‌توان آن را در توجیه نهاد استرداد مبتنی بر خطا به کار گرفت؛ به‌خصوص آنکه مقتضای اصل براءت ذمه است.

ضمان منافع

در حقوق ایران هنگامی که شخصی بدون اذن مالک بر مالی استیلا می‌یابد یا از آن استیفا می‌کند، علاوه بر حکم اولیه بر جبران ضرر و زیان احتمالی، ضامن استرداد همه منافع است که از مال تحصیل کرده است.^۱ مستند اصلی چنین حکمی عموم قاعده فقهی «علی الید» است. برخی (عباسی و همکاران ۱۳۹۶: ۱۲۸) بر آن‌اند که تطبیق مسئولیت ناشی از قاعده علی الید با مسئولیت استرداد در کامن‌لا ممکن است و البته تصریح می‌کنند آنچه «از قاعده علی الید استفاده می‌شود این است که تصرف در مال غیر سبب ایجاد مسئولیت نسبت به استرداد عین مال به صاحب آن می‌شود». با این حال، قاعده فقهی اخیر هنگامی می‌تواند مستمسک ضمان و استرداد منافع قرار گیرد که موضوع استیلا یا استیفا دایرمدار بر مال یا حقوق مالی باشد. بنابراین، اگر شخصی با درج مطالب کذب و خلاف واقع علیه دیگری در روزنامه خویش موجب افزایش فروش آن شود، محلی برای اعمال این قاعده باقی نمی‌ماند. چون انتفاع از طریق نقض حقوق مالی دیگری تحقق نیافته است. به‌علاوه، اگر فارغ از قاعده علی الید بخواهیم در خصوص تحقق ضمان منافع در حقوق ایران بحث کنیم، ماهیت آن را نمی‌توانیم نفع‌محور بدانیم. زیرا در این صورت دلیل اصلی ضمان منافع تقویت منافع مستوفات و غیرمستوفات به دلیل اتلاف و تسبیب است (محقق داماد ۱۳۹۴: ۷۱).

منع اکل مال بالباطل

از میان قواعد فقهی می‌توان قاعده ممنوعیت «اکل مال بالباطل» را با خوانشی متفاوت مستمسک

۱. در فرض استیلا به دلیل جاری بودن قاعده ید، قانون مدنی ایران در ماده ۳۲۰ ضمان منافع غیر مستوفات را نیز برای غاصب ثابت می‌داند.

پذیرش نهاد استرداد مبتنی بر خطا دانست و برخی (عباسی و همکاران ۱۳۹۶: ۱۳۵) نیز در همین زمینه مسئولیت ناشی از قاعده منع اکل مال بالباطل را با مسئولیت استرداد مقایسه کرده‌اند. باطل به هر آنچه «من غیر حق و بدون اساس» باشد اطلاق می‌شود و دو رویکرد به معنای آن در این قاعده وجود دارد. در رویکرد نخست باطل معنایی شرعی دارد و بر اموری از قبیل سرقت، غصب، خیانت، و عقود فاسد اطلاق می‌شود که از سوی شارع نهی شده است (السیوری ۱۳۸۵ ق: ج ۲، ۳۳). اگر سبب باطل فقط سببی باشد که شارع آن را مباح نکرده است، دیگر نمی‌توان در همه موارد از آن برای پذیرش نهاد استرداد مبتنی بر خطا بهره برد. برخی دیگر از فقها قائل به معنای عرفی باطل‌اند و ملاک تشخیص آن را فهم عقلای جامعه می‌دانند (خمینی ۱۴۱۰ ق: ج ۱، ۶۴). اگر باطل را با چنین معنایی در نظر بگیریم می‌توانیم آن را در موارد شمول استرداد مبتنی بر خطا نیز حاکم بدانیم. برخی (نوابی ۱۳۸۸: ۲۳۸) نیز، با رد شرط تقابل افزایش و کاهش دارایی و توسعه دلالت این قاعده، آن را در موارد کاربرد استرداد مبتنی بر خطا، مانند فرضی که «شخصی با سوءاستفاده از موقعیت یا اطلاعات بر ثروت خود بیفزاید»، نیز حاکم دانسته‌اند.

استدلالات فوق چندان موجه به نظر نمی‌رسد و حتی به فرض پذیرش این مبنا فقط باطل بودن انتفاع به اثبات می‌رسد؛ اما، توجیهی برای تکلیف خاطی به استرداد منافع به قربانی خطا فراهم نمی‌سازد.

تقصیر انتفاعی

در مسئولیت مدنی به معنای خاص وجود ضرر لازمه ذاتی تحقق این نهاد است و بدهات آن تا حدی است که برخی (کاتوزیان ۱۳۸۲: ۲۴۲) ذی‌حقی خواهان را در گرو آن می‌دانند و شخصی را واجد صلاحیت اقامه دعوی مسئولیت می‌دانند که ضرری دیده باشد. بعضی نیز تا آنجا پیش رفته‌اند که هدف منحصر مسئولیت مدنی را جبران خسارت می‌دانند (بادینی ۱۳۹۴: ۳۲۷). اگر چنین نگاهی به مسئولیت مدنی داشته باشیم؛ امکان طرح نهاد استرداد مبتنی بر خطا به عنوان مسئولیت نفع‌محور در حقوق ایران وجود ندارد. با این حال، باید از این رویکرد سنتی و محدود در مسئولیت مدنی چشم پوشید. زیرا «مسئولیت مدنی چیزی بیش از جبران خسارت است و دستور منع، استرداد، دفاع مشروع، بازدارندگی، حفظ نظم در جامعه، و غیره را هم شامل می‌شود.

واقعیت این است که چون مسئولیت مدنی پدیده‌ای اجتماعی است ماهیت آن بر حسب نیازهای جامعه و تحولات اجتماعی دگرگون می‌شود.» (بادینی ۱۳۹۴: ۴۰ - ۴۱). یکی از راه‌هایی که می‌توان با استفاده از آن جایگاهی برای مسئولیت نفع‌محور در حقوق ایران قائل شد و کارکرد مسئولیت مدنی را گسترش داد توجه به ماهیت تقصیر مرتکب و طرح تقصیر انتفاعی^۱ است. تقصیر انتفاعی تقصیری است که «به صورت عامدانه و با حسابگری نسبت به خسارات احتمالی صورت می‌پذیرد و مقصر با تجری به دنبال سودآوری از عمل نامشروع خویش است.» (Fontmiche 2005: 737). بنابراین، هنگامی که ارتکاب تقصیر انتفاعی را در مسئولیت اشخاص مؤثر بدانیم، می‌توانیم به هدف استرداد مبتنی بر خطا، یعنی محروم کردن خطاکار از منافع عمل خویش و بازدارندگی در او و سایر افراد، نائل شویم. به نظر می‌رسد طرح تقصیر انتفاعی در حقوق مسئولیت مدنی ایران نیز مانعی ندارد. زیرا نه دلیلی منطقی دال بر انفکاک کامل قصد و نیت از حوزه مسئولیت مدنی وجود دارد نه بازدارندگی، به منزله کارکردی عقلایی و پیشگیرانه، ذاتی حقوق کیفری محسوب می‌شود که با اعمال آن در حقوق مسئولیت مدنی خلط بین حقوق کیفری و خصوصی صورت گیرد.

امکان طرح ریزی تقصیر انتفاعی و پرداختن به مسئولیت نفع‌محور از دو جنبه دیگر نیز در حقوق ایران می‌تواند موجه به نظر رسد. جنبه نخست را می‌توان در پرتو تحولات تقنینی اخیر و توجه قانون‌گذار به مصالح اجتماعی و مقتضیات عادلانه دید. مثلاً، قانون‌گذار در تبصره ۳ ماده ۸ «قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث» مصوب ۱۳۹۵ بیان می‌کند: «خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارد به گران‌ترین خودروی متعارف از طریق بیمه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود». طبق تبصره بعدی «منظور از خودروی متعارف خودرویی است که قیمت آن کمتر از پنجاه درصد سقف تعهدات بدنی باشد». بنابراین، در موارد شمول این ماده عملاً زیان‌دیده ثروتمند در زمینه کارکردهای اجتماعی و اعمال نوعی عدالت توزیعی بخشی از حق خود را در مطالبه خسارات وارد شده از دست می‌دهد و این موضوع مغایر با حکم اولیه در خصوص تلف مال دیگری و اصل جبران کامل خسارت است.

طرح تقصیر انتفاعی و توجیه استرداد مبتنی بر خطا در پرتو آن نیز، هرچند خروج از احکام اولیه قانونی و اسباب سنتی ضمان است، موجب سودمندی اجتماعی است.

جنبه دیگر توجه دکرین حقوقی داخلی به ضرورت طرح نهاد غیرترمیمی خسارت تنبیهی در حقوق ایران است. از منظر برخی حقوق‌دانان (قاسمی حامد و همکاران ۱۳۹۲: ۱۶۱)، علاوه بر شباهت مواردی از قبیل خسارت تأخیر تأدیه، وجه التزام و دیه ماهیتی در حقوق ایران به خسارت تنبیهی، طرح مستقل خسارت تنبیهی به دلیل کارکردهای نافی که دارد موجه به نظر می‌رسد. اگر بتوان نهاد غیرترمیمی خسارت تنبیهی را در مواردی بنا بر ضرورت در حقوق ایران مورد شناسایی قرار داد، پذیرش استرداد مبتنی بر خطا را به طریق اولی می‌توان مجاز دانست. زیرا میزان خسارت تنبیهی به صلاح‌دید دادگاه تعیین می‌شود. اما در استرداد مبتنی بر خطا خاطی صرفاً تا میزان انتفاع نامشروع خویش ضامن است.

از منظر ما، در زمینه حفظ و عدم تضعیف قوانین و قراردادهای، هنگامی که شرایط تحقق تقصیر انتفاعی وجود دارد، می‌توان قائل به استرداد منافع نامشروع از خاطی شد و بی‌شک قربانی خطا که با تعقیب خوانده تا حدی نیز هم‌سو با حفظ منافع عمومی حرکت کرده، سزاوارترین شخص در جامعه برای دریافت چنین منافی است. بنابراین، شایسته است که قانون‌گذار ایران با توجه به مبانی پیش‌گفته و استمداد از اصولی چون عدم انتفاع از خطا و منع اکل مال بالباطل با استرداد منافع به قربانی خطا هم‌زمینه این‌گونه انتفاعات ناروا را از بین ببرد هم مانع تضییع حقوق اشخاص جامعه شود.

نتیجه

با توجه به مطالب ارائه‌شده، باید گفت استرداد مبتنی بر خطا در کامن‌لا مسئولیتی است نفع‌محور که با تمسک به آن، فارغ از لحاظ ورود ضرر، به دلیل نقض تکلیف از سوی خواننده و به تبع آن نقض حقوق خواهان (ارتکاب خطای مدنی)، موجبات محرومیت خاطی از عواید عمل ناروای خویش و استرداد منافع به قربانی خطا فراهم می‌شود. هرچند مطالبه منافع در مواردی همچون استیفای نامشروع از مال غیر و دارا شدن ناعادلانه موجب استرداد منافع به مدعی می‌شود، در این فرض، ماهیت خواسته جبرانی و زیان‌محور است. زیرا خواهان در صدد منافی است که مستقیم

از اموال و دارایی‌اش تحصیل شده است. محروم کردن خواننده از منافع مکتسب نیز تنها نتیجه تبعی اعمال حقوق مالکیت و بازگشت اموال و منافع به مالک حقیقی است و نباید به این دلیل این گونه دعای را استرداد به معنای نفع‌محور دانست. بنابراین، واژه استرداد در مفهوم مسئولیت نفع‌محور از وضع لغوی خود فاصله گرفته و هم‌سو با ریشه رومی این لغت به معنای تسلیم منافع است. با توجه به توضیحات پیش‌گفته می‌توان گفت استرداد مبتنی بر خطا در کامن‌لا مترادف با مسئولیت نفع‌محور و مسئولیت استرداد است.

در نظام حقوقی ایران نیز مانند کامن‌لا مسئولیت اشخاص در حقوق خصوصی اصولاً بر مفهوم بنیادین ضرر تکیه دارد. مفهوم استرداد نیز هرچند منصرف به برگشت دادن و بازگشت اموال به مالک یا متصرف حقیقی خود است، از منظر برخی، استرداد می‌تواند در حقوق ایران و در مفهومی عام در مورد تخلیه ید شخص از دارایی‌هایی که وی بدون سبب مشروع و قانونی تحصیل کرده به کار رود که در این معنا می‌تواند، مشابه با کامن‌لا، تسلیم ابتدایی منافع به خواهان را نیز در بر گیرد. هرچند اصولاً مفهوم کلی خطا در حقوق ایران برخلاف کامن‌لا در معنای نقض تکلیف نیست، مصادیق خطای مدنی در کامن‌لا همانند نقض قرارداد و خطاهای غیرقراردادی می‌تواند موجب مسئولیت اشخاص شود. با وجود این، در حقوق ایران استرداد منافع متکی بر مفهوم مال در پرتو ضرر و در قالب ضمان منافع محقق می‌شود. بنابراین اصولاً مسئولیت نفع‌محور و به تبع آن استرداد مبتنی بر خطا در حقوق ایران جایگاهی ندارد. با این حال، ضرورت اتخاذ موضعی مناسب در جهت ممنوعیت انتفاعات ناروا و جلوگیری از تضییع حقوق و آزادی‌های اشخاص جامعه و برقراری عدالت ایجاب می‌کند که قانون‌گذار داخلی با استمداد از قاعده عقلایی «عدم انتفاع از خطا» و توجه به مفاهیم نو در مسئولیت مدنی، همچون تقصیر انتفاعی و ضرورت توجه به مصالح اجتماعی، زمینه تحقق مسئولیت نفع‌محور را در حقوق ایران فراهم سازد.

منابع

- ارسطو (۱۳۷۷). *اخلاق نیکوماخوس*، مترجم: محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو.
- ایروانی نجفی، میرزا علی (۱۳۸۴). *حاشیه مکاسب*، تهران، کیا، ج ۲.
- بابایی، ایرج؛ اسماعیل کشاورز (۱۳۹۶). «مفهوم خطا و نقش آن در ساختار مسئولیت مدنی؛ مقایسه حقوق رومی، کامن‌لا، و ایران»، *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ش ۷۹ و ۸۰، صص ۴۷ - ۶۶.
- بادینی، حسن (۱۳۹۴). *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). *ترمیم‌ولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش.
- حسینی، سیده‌ام‌البنین؛ محمد عیسائی تفرشی (۱۳۹۷). «بازتعریف مفهوم استرداد دارایی‌های نامشروع در حقوق انگلیس و ایران»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، س ۲۲، ش ۴، صص ۲۹ - ۶۴.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۰ ق). *کتاب‌البیع*، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- داراب‌پور، مهرباب؛ سعید سلطانی احمدآباد (۱۳۹۴). «فلسفه حقوقی و ماهیت خسارت تنبیهی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۵۲، صص ۶۱ - ۹۰.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱.
- السیوری، جمال‌الدین المقداد بن عبدالله (۱۳۸۵ ق). *کنز‌العرفان فی فقه القرآن*، طهران، منشورات المكتبة المرتضویه للإحياء الآثار الجعفریه.
- عباسی، مجید؛ علی غریبه؛ اسماعیل صغیری؛ حسن پاشازاده (۱۳۹۶). «جایگاه نظریه مسئولیت استرداد در فقه امامیه»، *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، د ۱۴، ش ۵۰، صص ۱۱۳ - ۱۴۶.
- عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۸۲). *موجبات ضمان؛ درآمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی*، تهران، میزان.
- عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر.
- قاسمی حامد، عباس؛ علی خسروی فارسانی؛ فهیمه آقابابایی (۱۳۹۲). «خسارت تنبیهی در حقوق ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۸۱، صص ۱۶۱ - ۱۸۷.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). *الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). *حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات*، تهران، میزان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۴). *قواعد فقه؛ بخش مدنی (مالکیت/مسئولیت)*، تهران، نشر علوم اسلامی.

نوابی، سید مهدی (۱۳۸۸). *ضمان ناشی از استیفای نامشروع در حقوق ایران، فقه امامیه و حقوق فرانسه*، قم، بوستان کتاب.

References

- Abbasi, M., Gharibeh, A., Saghiri, E., & Pashazadeh, H. (2018). "Restitutionary Liability Theory in Common Law and Iranian Law", *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, 14 (50), pp. 113-146. (In Persian).
- Al-Soyouri, J. (1966). *Kanz Al-Erfan Fi Feqh Al-Quran*, Tehran, Mortazavi Library Pub for Jafari Opinions. (In Arabic)
- Al-Tawil, T (2013). "Corrective Justice and Deterrence: Can They Co-Exist", *European Journal of Legal Studies*, 6(1), pp. 107-125.
- Amid Zanjani, A. (2003). *Causes of Responsibility; an introduction to Tort Law and its causes and effects in Islamic jurisprudence*, Tehran, Mizan Publication. (In Persian)
- Amid, H. (1996). *Amid's Persian Dictionary*, Tehran, Amirkabir. (In Persian)
- Aristotle (1998). *Nicomachean Ethics, translated by: Mohammad Hassan Lotfi*, Tehran, Tarhe Now. (In Persian)
- Babaei, I. & Keshavarz, E. (2017). "Concept of tort and its role in structure of division of tort law; comparison Roman law, Common law and Iranian law", *Judicial Law Views Quarterly*, 79 & 80, pp. 47-66. (In Persian)
- Badini, H. (2015). *Philosophy of Tort Law*, Tehran, Sahami Enteshar Corporation. (In Persian)
- Barker, K. (1995). "Unjust enrichment: containing the beast", *Oxford Journal of Legal Studies*, 15, pp. 457-475.
- Birks, P. (1996). "Equity in the modern law: An exercise in taxonomy", *Western Australian law review*, 26 (1), pp. 1-99.
- (1997). "The Concept of Civil Wrong", *The Philosophical Foundations of Tort Law*, pp 31-52.
- (2005). *Unjust Enrichment (2ed)*, New York, Oxford University Press.
- Black, H. C. (2009). *Black's law dictionary* (9ed), US, West Group.
- Burrows, A. (1993). *The Law of Restitution*, London, Butterworths.
- Darabpour, M. & Soltani Ahmad Abad, S (2015). "Legal Concept and the Nature of punitive Damages. International Law Review", 52, pp. 61-90. (In Persian)
- Dehkhoda, A. A. (2006). *Dehkhoda Dictionary*, Vol. 1, Tehran, Tehran Universty Press. (In Persian)
- Descheemaeker, E. (2009). *The division of wrongs: A historical comparative study*, New York: Oxford University Press.
- Dworkin, R. (1978). *Taking Rights Seriously*. Harvard, Harvard University Press.
- Edelman, J. (2002). *Gain-based damages contract, tort, equity and intellectual property*, Oregon, Hart publishing.
- Fontmichel, Alexandre Court de. (2005). "La sanction des fautes lucratives par des dommages-interets punitifs et le droit francais", *Uniform Law Review - Revue de Droit Uniforme*, 10(4), pp. 737-757.

- Friedmann, D. (1980). "Restitution of Benefits Obtained through the Appropriation of Property or the Commission of a Wrong", *Columbia Law Review*, 80 (3), pp. 504-558.
- (2001). "Restitution for Wrongs: The Measure of Recovery", *Texas Law Reviv*, 79, pp. 1879-1925.
- Ghasemy Hamed, A., Khosravi Farsani, A., & Aghababae, F. (2013). "Punitive Damages in Iranian Legal System", *The Judiciary Law Journal*, 81, pp. 161-187. (In Persian)
- Giglio, F. (2007). *The Foundations of Restitution for wrong*, Oregon, Hart publishing.
- (2009). "Pseudo-Restitutionary Damages: Some Thoughts on the Dual Theory of Restitution for Wrongs", *Canadian Journal of Law & Jurisprudenclinge*, 22 (1), pp. 49-78.
- Hosseini, S. O. & Issaei Tafreshi, M. (2019) "Redefining restitution of illegitimate assets in English & Iranian Law", *Comparative Law Researches*, 22 (4), pp. 29-67. (In Persian)
- Irevani Najafi, M. A. (2005). *Hashie Al-Makaseb*, Vol. 2, Tehran, Kia. (In Arabic)
- Jafari Langroudi, M. J. (2002). *Terminology of Law*, Tehran, Ganje Danesh. (In Persian)
- Katouzian, N. (2003). *Extra Contractual Obligations*, Tehran, Tehran University Press. (In Persian)
- Katouzian, N. (2007). *Civil Law: General Theory on Obligations*, Tehran, Mizan. (In Persian).
- Khomeini, S. R. (1990). *Ketab Al-Bay'a*, Qom, Esmaeilian Institution. (In Arabic)
- Longman, P. (2008). *Longman Dictionary of American English* (4ed), London, Pearson Education.
- Mohaqeq Damad, S. M. (2015). *Rules of jurisprudence; Private Section (ownership / Liability)*, Tehran, Olume Eslami Publication. (In Persian)
- Navvabi, S. M. (2009). *Responsibility Arisen from Unjust Enrichment in Iranian Law, Shia Jurisprudence, and French Law*, Qom, Bustan-e Ketab Publisher. (In Persian)
- Stafford, T. (2016). "Gains Based Remedies: the misguided search for a doctrine", *IALS Student Law Review*, 4 (1), pp. 3-12.
- Virgo, G. (2015). *The Principles of the law of Restitution* (3ed), UK, Oxford University Press.
- Weinrib, E. J. (2000). "Restitutionary damages as corrective justice", *Theoretical Inquiries in Law*, 1 (1), pp. 1-37.